آسیب شناسی حلقه‌ای که تجمعی از نخبگان

مقدمه :

الف : سعی کنید با بحث‌های عمیق و زیبای تحلیلی مدام فکر مجموعه خود را ارتقاء دهید.

مثلاً چه جمله‌ی زیبایی است جمله‌ای که در رهبری در کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن می‌فرمایند : بزرگترین حکم حاکم ظالم چیست ؟ شاید بگوید اینکه شراب را در جامعه ترویج کند یا بگویید زمینهای مردم را بدزده یا بگویید تعدادی از مردم را بکشد ولی بزرگترین ظلم یک حاکم این است که فکر مردم را عقب نگه دارد.

این که مردم را در جهالت نگه داریم از هر جنایتی بدتر است شاید بر اثر ظلم جامعه‌ی اسلامی 20 سال عقب بیفتد ولی بر اثر کج فهمی یا نفهمی حداقل 200 سال عقب می‌افتد.

ب : سعی کنید با مطالعات خوب مدام جهت حرکت خود را چک کنید نکند کارهایی فرهنگی ما در جهت انقلاب و سیر الهی ما یا جهادی نباشد.

ج : سعی کنید حتما مطالعه را جدی در جوانان تزریق کنید ما چه جوانانی را دیدیم که در بسیج مسئولیت داشتند ولی چون نگاه عقلانی نبود بعدها در برخورد با مشکلات دچار دلسردی شدند و حتی برخی سکولار شدند یا به پوچی رسیدند.

در این زمینه رهبر انقلاب می فرمایند:

# لزوم\_ ایجاد\_تعمّق\_در\_معرفت

# هشداری از رهبر انقلاب در بیانات 3 آذر 95

❌ بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست،

 ✅ بسیج متّکی است به دانستن و فهمیدن، متّکی است به بصیرت.

واقعیّت بسیج هم همین است و در این جهت باید پیش برود.

 ⚠ اگر صرفاً احساس بود، احساس با یک اندک چیزی تغییر پیدا میکند.

🔍 یک عدّه‌ای اوّل انقلاب جزو کسانی بودند که پرشور با انقلاب همراه

 بودند امّا از روی احساس؛ از روی عمق فهم دینی نبود.

بنده با بعضی از اینها ارتباط داشتم، آشنا بودم، در دانشگاه و بیرون دانشگاه اینها را می‌شناختم؛ عُمق دینی نداشتند. نتیجه این شد که با نشست و برخاست با بعضی آدمهایی که زاویه‌ی با انقلاب داشتند، اینها هم با انقلاب زاویه‌دار شدند.

تذکرات در مورد نخبگان :

1. مواظب باشید که فکر آنها فکر افسر جنگ نرم نباشد بلکه فکر سرباز باشند و مدام منتظر دستور و ایده از طرف رهبر گروه باشند. به صورت سرباز فکر کردن هر رهبری را فلج میکند. مثلا یادم هست که خیلی از نوجوانان و جوانان که ما در شهرستان های آنها حضور پیدا می کردیم به ما می گفتند ما انیمیشن سازی بلدیم ما کلیپ سازی بلدیم شما به ما ایده بده. و مگر ما چند تا ایده نو داشتیم که به همه آنها بدهیم و اینگونه بود که به بن بست کشیده می شدیم. در واقع اشتباه این بود که آنها صرفا از ما انتظار داشتند در صورتی که باید برعکس می بود و باید انتظار را برعکس می کردیم تا هم فرد دارای فکر و ایده شود و هم وابسته بار نیاید بلکه مستقل بار بیاید.

خیلی از جوانانی که مسجد نمی‌آیند وقتی از آنها پرسیده می شود که چرا مسجد می آید می گوید مسجد دیگر تکراری شده و برای من برنامه ای نداره. چقدر این جوان اشتباه می کند در واقع بجای اینکه امروز از آن آموزش‌هایی که در مسجد دیده است استفاده کند و آن جوان برای مسجد برنامه داشته باشد می گوید چرا مسجد برای من برنامه ندارد.

اگر شما نوع انتظار را برعکس نکنید یعنی کاری کنید که بجای اینکه نخبگان از شما انتظار داشته باشند شما از آنها باید انتظار می‌داشتید خطرناک ترین کار است و باعث می‌شود این نخبگان به شما و نداشتن ایده در مجموعه شما اعتراض کنند.

1. مطالعه و دقت در مشکلات جاری فرهنگی باعث می شود بسیاری از ایده ها به ذهن فعالین فرهنگی برسد. در ضمن مطالعه برخی از کتب اساسی موجب می گردد تا طرح و ایده ای که می دهیم اختلاف با مبانی دینی یا ملزومات فرهنگی انقلاب نداشته باشد.

باید نخبگان شهرستانی را مجبور کرد که پیاده از تک تک خیابان های شهر عبور کنند مردم و کارهای مردم را ببینند مشکلات را ببینند، شخصیت‌شناسی کنند، ریشه‌ی مسایل را تحلیل کنند و برای آن راه حل بدهند. برای هر مشکل ایده های متنی ، تصویری ، نقاشی های دیواری بکشند فیلم در مدارس و مساجد بخش کنند و ...

1. با این وجود که باید سعی کنید جوانان خودشان را به مطالعه بزنند تا قدرت پاسخگوئی مسایل را داشته باشند ولی اگر دیدید جوانانی هستند بالاخره اینها مطالعه نمی کنند سعی کنید کارهایی اجرایی را به اینها بدهید تا آنها به کار واداشته شوند و بیکار نشنینند.
2. سعی کنید به جوانان یاد دهید این کارهای فرهنگی را با دیگر برنامه های زندگی تنظیم کنند. نکنه کارهای فرهنگی بجای برسد که به درس و .. ضربه بزند و باعث شود آن جوان از کارهای فرهنگی دلزده شوند و بگویند کارهای فرهنگی باعث شد زندگی من تعطیل شود بلکه کارها را در حد توانایی افراد تعیین کنید. البته به آنها یاد بدهید بالاخره هر چقدر تنظیم هم کنیم بخشی از وقتهای زندگی گرفته می شود و بالاخره باید ایثار هم داشت.